

فوتبال

هنر، صنعت یا ورزش

زیر برشمرد:

۱. تسلط بارز میزبانی تقریباً بدون نقص کشورهای غربی - به‌ویژه کشورهای اروپایی - که صاحب فوتبال تکنیکی و تاکتیکی پیشرفته‌اند. آخرین میزبانی کشورهای اروپایی، در جام جهانی فوتبال ۲۰۰۶ در آلمان بوده است که آن‌ها این میزبانی را به لطف شخصیت برجسته‌ی **فرانتس بکن‌باور** به دست آوردند. او موفق شده است به‌عنوان بازیکن (۱۹۷۴) و به عنوان مربی (۱۹۹۰)، دو جام جهانی را برای کشور آلمان به ارمغان آورد.

۲. علاقه‌ی وافر تماشاچیان فوتبال در آمریکای لاتین - به‌ویژه برزیل و آرژانتین - که به ترتیب دو اسطوره‌ی پایان‌ناپذیر فوتبال **پله** و **مارادونا** - را به جامعه‌ی جهانی فوتبال معرفی کرده‌اند. خلاقیت، هنرمندی و زیبایی بازی فوتبال این دو، جام‌هایی را در جهان فوتبال برای کشورهايشان به ارمغان آورده است. این دو در جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی نیز حضور مؤثری داشتند: اولی با برپایی یک گالری هنری از نقاشی‌هایش که مورد توجه تماشاگران حاضر در جام جهانی گذشته و رسانه‌ها قرار گرفت، و دومی، در قالب مربی تیم ملی فوتبال آرژانتین که کلکسیون‌ی از پرافتخارترین بازیکنان فوتبال جهان را هدایت و رهبری کرد.

۳. رشد چشم‌گیر ورزش در کشورهای آسیایی - به‌ویژه چین، کره جنوبی و ژاپن - که هر کدام با شایستگی انکارناپذیر دست کم یک دوره بازی‌های المپیک را برگزار کرده‌اند و رشد فوتبال در هر یک از کشورهای یاد شده، از سطح فوتبال آسیا فراتر رفته و نتایج خوبی که ژاپن و کره جنوبی در جام جهانی ۲۰۱۰ به دست آوردند، آن‌ها را به عنوان قدرت‌های نوظهوری در فوتبال جهان معرفی کرد. این دو کشور، در سال ۲۰۰۲ با میزبانی مشترک و برگزاری فوق‌تصور جام جهانی فوتبال، برای نخستین بار، میزبانی مشترک جام جهانی را بر عهده گرفتند که شاید چنین رخدادی در آینده نزدیک امکان تکرار نیابد.

در کنار این دو کشور شایسته‌ی آسیایی، هر چند کشور چین به این دوره از جام جهانی فوتبال راه نیافت، ولی میزبانی با شکوه آخرین دوره‌ی بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ پکن و کسب مقام اولی بازی‌های المپیک برای نخستین بار توسط کشور دیگری -

بازی‌های المپیک و مسابقات جام جهانی فوتبال، دو رویداد بی‌نظیر ورزشی در جهان ورزش به شمار می‌روند که فراتر از هر رویداد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، مردم دنیا را به سوی خود می‌کشند و جاذبه‌ی منحصر به فرد خود را دارند و بدیل ندارند. هر دو رویداد ورزشی، در مقدمه نیز همه‌ی قاره‌ها را درگیر می‌کنند و بازی‌های مقدماتی و مسابقات انتخابی ورود به بازی‌های المپیک و جام جهانی فوتبال، گاهی به مراتب سخت‌تر از انجام مسابقات در خور این رویداد است. مقدمات، متن و مؤخرات این دو رویداد آن‌چنان جاذبه‌ای دارند که جدا از رونق‌بخشی به صنعت گردشگری، جشنواره‌های فرهنگی و هنری و ویژه‌ای در کنار آن‌ها سازمان‌دهی و به نمایش درمی‌آیند که تماشاچیان و ناظران رسانه‌ای و مخاطبان خاص خود را دارند.

گفته‌اند بیش از ۲۰ میلیارد نفر از نزدیک و از طریق انواع رسانه‌های دیداری و شنیداری، افتتاحیه، اختتامیه و دوره‌ی ۱۵ روزه‌ی بازی‌های المپیک را تماشا می‌کنند و فراتر از میلیارد‌ها دلار، قرارداد اقتصادی در حاشیه‌ی بازی‌های المپیک منعقد می‌شود. جام جهانی فوتبال ۲۰۰۶ آلمان نیز چیزی نزدیک به ۲۰ میلیارد بیننده داشته است.

اکنون دوره‌ی زمانی کوتاهی است که آخرین دوره‌ی جام جهانی فوتبال ۲۰۱۰ در آفریقای جنوبی را پشت سر گذاشته‌ایم. برای نخستین بار، میزبان بازی‌ها، کشوری از قاره‌ی آفریقا شد که با شایستگی - علی‌رغم برخی نارسایی‌های قابل صرف‌نظر که بیشتر ریشه در فرهنگ ساکنان قاره‌ی آفریقا داشت - آن را شروع و به پایان رساند. بدون تردید، قاره‌ی آفریقا و به‌ویژه کشور آفریقای جنوبی، افتخار میزبانی این بازی‌ها را به لطف برخورداری از شخصیتی جامع - **نلسون ماندلا** - کسب کرد. نفوذ معنوی و شخصیت منحصر به فرد کارزماتیک وی، نفوذهای سیاسی و مادی و زدوبندهای پشت پرده‌ی احتمالی برای واگذاری میزبانی جام جهانی فوتبال به قاره‌ی آفریقا، برای همیشه مخفی می‌ماند. با قاطعیت نمی‌توان گفت، ولی می‌توان از پیدا و پنهان‌های جام جهانی فوتبال حدس زد که شاید تا نیم قرن آینده، نوبت مجدد به قاره‌ی آفریقا نرسد. برخی دلایل احتمالی را می‌توان به شرح



مایوس کننده عجین می‌سازند که به راحتی نمی‌توانند از آن فارغ شوند؟ آیا تاکنون به این موضوع اندیشیده‌اید که اگر روزی فوتبال در جهان تعطیل شود و شعله‌ی فروزان آن در زندگی فردی و اجتماعی مردم جهان روبه خاموشی گراید، چه می‌شود؟ چه مشاغلی به تعطیلی کشیده می‌شوند؟ چه رونق‌های اقتصادی به بی‌رونقی می‌گیرند؟، بر عکس، آینده‌ی این ورزش مردمی چیست؟ چه مرزهایی باقی مانده‌اند که فوتبال هنوز هم می‌تواند آن‌ها را درنوردد؟

خوشبختانه، با وجود سوء استفاده‌های سیاسی از این ورزش جذاب، جای امیدواری باقی است که هنوز از تنازعات سیاسی جان به در برده است و همگان - صرف نظر از نژاد، رنگ، ملیت و ... - به موفقیت در آن می‌اندیشند. به راستی، در آینده، ورزش فوتبال تا چه حد می‌تواند تنازعات فرهنگی بین دول متفاوت را به تعادل بکشاند و از تعصبات قومی و فرهنگی بکاهد؟ علی‌رغم سادگی این ورزش که آن را جهانی و جاودانه کرده است و مردم - در هر مرامی و سلیقه‌ای و با هر دینی و نژادی - همیشه با آن زندگی می‌کنند، چه مسائلی این توجه به فوتبال را تهدید می‌کند؟ پاسخ به همه‌ی این پرسش‌ها ساده نیست. بنابراین، باید فوتبال را با همین ویژگی‌هایش پذیرفت و با **سپ بلاتر** - رییس FIFA - همراه شد که می‌گوید:

«تعداد اعضای خانواده‌ی فدراسیون جهانی فوتبال ۲۵۰ میلیون نفر است. این تعداد دربرگیرنده‌ی بازیکنان فوتبال مرد و زن در تمام رده‌های سنی، مربیان، کادر مربیگری، مدیران و متولیان اجرایی، داوران و کمک داوران و هم‌چنین گروه پزشکی است. ورزش ما (فوتبال)، به تمامی این اشخاص، شوق، لذت و شیفتگی را ارائه می‌دهد. فوتبال بخشی از زندگی روزمره‌ی آن‌ها شده است، به شکلی که به تفریحی مورد علاقه برای اوقات فراغت تبدیل شده است. در حالی که عده‌ای فوتبال را به‌عنوان یک حرفه دنبال می‌کنند، برای عده‌ای دیگر به عنوان یک کسب و کار مطرح می‌شود.»

سردبیر

به جز آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی (روسیه) - کشور چین را به قدرتی بلامنزاع در جهان ورزش تبدیل کرده است. پشتوانه‌ی قوی میزبانی موفق بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ پکن و اقتصاد روبه‌رشد بسیار چشم‌گیر، کشور چین را به نامزد همیشگی همه‌ی دوره‌های بازی‌های المپیک و جام جهانی فوتبال تبدیل کرده است.

در کنار این سه کشور موفق آسیایی در صحنه‌ی ورزش جهانی و شایستگی بلامنزاع آن‌ها برای میزبانی موفق هر رویداد ورزشی، نمی‌توان از قطب‌های اقتصادی کشورهای عربی - عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی - بی‌تفاوت گذشت که نشان داده‌اند، با واگذاری مراحل برنامه‌ریزی و اجرایی رویدادهای مهم ورزشی به سازمان‌های موفق در برگزاری رویدادهای مهم ورزشی در سایر کشورها، از میزبانی هیچ رویداد ورزشی غافل نیستند.

از کشورمان نیز - در آسیا - نباید به سادگی گذشت و فوتبال مردمی و با پشتوانه غنی فنی و حضور در چند دوره جام جهانی - از جمله جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان - در کنار سابقه‌ی میزبانی رویداد مهم بازی‌های آسیایی ۱۳۵۳ تهران و تک جنسیتی بودن جام جهانی فوتبال، زمینه‌های خوبی است که امید به واگذاری جام جهانی فوتبال را به کشورمان زنده نگه می‌دارد.

بنابراین، فوتبال تبدیل به ورزشی شده است که در سایه‌ی آن، جهانی به تکاپو درمی‌آید. این پویایی دوره‌ای نیست و از این چهار سال تا چهار سال بعدی، چرخ فوتبال در اقصا نقاط دنیا روان و با شتاب توقف‌ناپذیر به پیش می‌رود. اما جام جهانی فوتبال نقطه‌ی عطف این سلسله رویدادهای ورزشی در فوتبال به شمار می‌رود که اوج پویایی را نشان می‌دهد. در هنگامه‌ی جام جهانی فوتبال، اوج توجه رسانه‌ای به فوتبال، هنر و صنعت همیشه روبه‌رشد فوتبال را از مرزهای اندیشه‌ای فراتر می‌برد و به رویدادی مردمی تبدیل می‌کند که حتی بیشتر از بازی‌های المپیک، توجهات را به خود می‌کشاند. علت این همه جاذبه چیست؟ چرا، دسته‌ای از مردم دیوانه‌وار به این ورزش عشق می‌ورزند و ناکامی کشورشان را در جام جهانی فوتبال با اندوهی